

اللَّهُمَّ احْمُرْنَا



سوالات و دغدغه
های سیاسی طرح
سه‌گانه پندی
پنژین آبان ۹۸



مقدمه

سوالات و پاسخ‌های زیر، مجموعه‌ای از شبهات، نگرانی‌ها و دغدغه‌های اقشار مختلف مردم من جمله جریان انقلابی و حزب‌اللهی‌ها است. این مجموعه از طریق نظرسنجی، رصد گروه‌های مجازی، پرسشنامه تلفنی و مصاحبه میدانی با اقشار مختلف، در گستره مراکز استانی و شهرهای درگیر اعتراض و اغتشاش، گردآوری شده است. بعد از جمع‌آوری، پیش‌فرض‌ها، مقدمات و مفروضه‌های هر سوال نیز استخراج شد. در کنار اینها سوالات مشابه نیز به در قالب یک سوال دسته‌بندی شد و همه به صورت فهرست زیر احصا و ارائه شده است.

سوالات احصا شده با محوریت مسائل سیاسی، در دو بخش کلی دسته‌بندی شده‌اند، بخش اول سوالات عمومی میباشند که صرفاً به اعتراضات طرح سهمیه بندی بنزین آبان ۹۸ اختصاص ندارند. بخش دوم سوالاتی است که صورت مستقیم به مساله بنزین ارتباط دارد که قسمتی از این سوالات ناظر به روند‌های قانونی و حقوقی آن می‌باشد و قسمت دیگر، سوالاتی است که راجع به بحث‌های میدانی و اعتراضات ناشی از اجرای طرح سهمیه بندی بنزین می‌باشد.

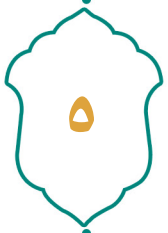
از این رو ضروری است که خواص، نخبگان، خبرگان، منتقدین و صاحبان خرد نسبت به پاسخ‌گویی به این سوالات اهتمام بورزند. امید است بعد از ارائه پاسخ‌های مختلف و



با جمع بندی آنها، بتوان جهاد تبیین را آغاز نمود تا فضای جامعه را در گام اول به سمت آرامش برد و بعد با روشنگری، شرایط تبدیل تهدید به فرصت برای استفاده بیشتر از ظرفیت مردم را فراهم نمود.

مرحله اول و ابتدایی جمع آوری پاسخ ها بعد از پایان یافتن شورش ها و آغاز تحلیل های کارشناسی توسط تحلیل گران سیاسی و اقتصادی، کلید زده شد. در یک نگاه کلی بعضی سوالات دارای چندین پاسخ از سوی جریان ها و افراد مختلف بودند. در این مجموعه که مرحله اول پاسخ ها می باشد، سعی شد تمامی پاسخ های جریان های سیاسی به صورت مختصر طیف بندی شود و به صورت دسته بندی شده ارائه گردد. بعضی پاسخ ها به نحو تفصیلی شرح داده شده و شماری نیز به صورت مختصر توضیح داده شده است.

این سوالات و پاسخ های آنها به شرح زیر می باشد:





سوالات عمومی

۱. آیا این دولت و رئیس جمهوری، شایستگی و کفایت ریاست جمهوری را دارد؟

پاسخ اول

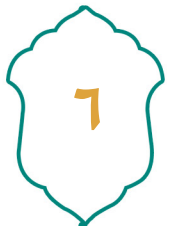
محبوبیت روحانی به زیر هفت درصد رسیده است. هم چنین او نشان داده است برای اداره کشور کفایت لازم را ندارد. هر روز که دولت او ادامه پیدا کند، خسارات بیشتری به کشور وارد می شود. مجلس باید طرح عدم کفایت او را تصویب و به رهبری ارسال کند. اصل ۸۹ قانون اساسی تصریح دارد «اگر یک سوم نمایندگان مجلس، رئیس جمهور رادر مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی استیضاح کنند، باید ظرف مدت یک ماه در مجلس حاضر و توضیح دهد. در صورتی که دو سوم نمایندگان به عدم کفایت رئیس جمهور رأی دادند مراتب جهت اجرای بند ده اصل ۱۱۰ به اطلاع مقام رهبری می رسد». بعد از صدور عدم کفایت روحانی و تأیید رهبر انقلاب، در طول یک ماه انتخابات فوری برگزار می شود و دولت جدید سر کار می آید.

پاسخ دوم

با این که روحانی شایستگی ادامه ریاست جمهوری را ندارد، ولی عزل رئیس جمهور در شرایط فعلی به صلاح نیست. عزل روحانی برابر است با آشوب و آشفتگی چندماهه؛ همان چیزی که دشمنان این کشور (آمریکا و اسرائیل و عربستان) در پی آن هستند. اگر دولت روحانی عزل شود، اصلاح طلبان و جریان برانداز داخلی تمام تلاش خود را برای نابودی سیستم جمهوری اسلامی به کار خواهند بست. بهترین راهکار موجود این است که مجلس اقدام به تصفیه اعضاء کابینه نماید. بسیاری از بی کفایتی های دولت به خاطر وزرای فشل و بی حالی است که دارد. واداشتن دولت به تغییر و اصلاح مسیر از جمله وظایف همه ماست. دولت باید بماند، نقد و مشورت های دلسوزانه را که بهترین حمایت است، بپذیرد، مسیر ناکارآمد را تغییر دهد و به وعده های اقتصادی که داده عمل کند.

پاسخ سوم

هر دولتی غیر از دولت روحانی در شرایط فعلی، کشور را درگیر جنگ خواهد کرد. با این که روحانی از منظر اقتصادی شکست خورده و به اهداف اقتصادی خود نرسیده است، ولی عقلانیت سیاسی دولت او در سیاست خارجی ایران را از جنگی بزرگ نجات داده است. تمامی رقبای دولت روحانی جنگ طلبند و آغاز جنگ ایران، آغاز جنگی بزرگ در سطح منطقه و



جهان است.

۲. چرا نباید رئیس‌جمهور و وزرا استیضاح شوند؟ در هر جای دنیا این اتفاق می‌افتاد رئیس‌جمهور باید استعفا بدهد یا استیضاح شود؟ چرا در این امر تسریع نمی‌شود؟

پاسخ اول

استیضاح رئیس‌جمهور در این شرایط، «جواب» نمی‌دهد؛ در شرایط جنگ اقتصادی، تحولات حساس منطقه و وضعیتی که گاه و بیگاه بازار دچار آن می‌شود، استیضاح رئیس‌دولت یعنی، «بحران‌سازی»؛ یعنی اضافه کردن یک مشکل سیاسی به سایر مشکلات. شاید راز حمایت‌های جریان‌های آلوده سیاسی داخلی و خارجی و رسانه‌های بدنامی مثل بی‌بی‌سی از استیضاح روحانی، در همین نکته نهفته باشد. آنها به دنبال راه‌حل نیستند به دنبال بحران‌آفرینی‌اند. در این شرایط باید به دولت کمک کرد و دولت هم باید تکلیف خود را با جریانی که رئیس‌جمهور را علنا رحم اجاره‌ای می‌نامد، و قطعاً مسئول چنین وضعی است روشن کرده و به خود کمک کند.

پاسخ دوم

رهبری بنا بر تشخیص و مصلحت خود مانع از «سقوط دولت» می‌شوند. ایشان بر اساس تجربه دوران پهلوی که رژیم با «گسست دولت‌ها» مواجه بود، در همه‌ی دولت‌های پس از رهبری ایشان با تمام قوا از موجودیت دولت حمایت کرده‌اند و «سقوط دولت» را برابر با «گسست حاکمیت» قلمداد می‌کنند.

پاسخ سوم

مسئله اساسی این است: «گزینه پس از روحانی کیست؟». تمامی جریان‌های سیاسی ایران در آشفتگی و افسردگی سیاسی به‌سر می‌برند و هیچ پاسخی برای مشکلات پس از روحانی ندارند. بهتر است دولت روحانی باقی بماند و با همکاری مجلس و سایر قوا مشکلات را حل کند.



۳. اگر استیضاح رئیس جمهور بر خلاف مصلحت است تا کی این مصلحت ادامه دارد؟ ما اکنون با فرد یا افرادی کم صلاحیت مواجهیم که ممکن است تا دو سال دیگر مدام این اتفاق راتکرار کند تا کجا باید صبر کرد؟

پاسخ :

باید دقت کنیم که استیضاح و طرح عدم کفایت روحانی تنها یکی از «راه» های حل مشکلات است، حتی شاید آخرین راه ممکن. با داشتن «حوزه عمومی» قدرتمند و «مجلس» کارآمد، دولت «مجبور» به اصلاح امور می‌شود. ما با استیضاح دولت، صرفاً صورت مسئله را پاک می‌کنیم و این تبدیل به «روندی خطرناک» در جمهوری اسلامی می‌شود که هر دولتی بیاید و اگر ناکارآمد بود، عزل می‌شود. در حالی که آرمان مردم‌سالاری انقلاب اسلامی این بود که «مجلس» و «مردم» در راس ساختار سیاسی بر عملکرد مسئولین نظارت داشته باشد و در مواقع ضرور، آن‌ها را از طریق ساز و کارهای قانونی «پاسخ‌گو» کنند.

۴. آیا ممکن است وضعیت رئیس جمهور به سرانجام بنی صدر منجر شود؟

پاسخ :

روحانی اکنون در «مرز» قرار دارد. او از یک سو به «اکنون» بنی‌صدر می‌نگرد و فلاکت سیاسی او را پیش‌چشمان خود دارد، از سوی دیگر هم با توجه به بحران‌های موجود می‌داند که نه تنها محبوبیت خود را کاملاً از دست داده است، بلکه «هویت سیاسی» خویش را هم مخدوش کرده و نیازمند «هویت سیاسی جدید» است. قطعاً او علاقه‌ای ندارد سرنوشت سیاسی بنی‌صدر را پیدا کند. اما نکته مهم این است که جریان اصلاحات در ماه‌های پیش‌رو سعی خواهد کرد روحانی را به سمت «رادیکالیسم» سوق دهد و این روحانی را با خطر «بنی‌صدر شدن» مواجه خواهد کرد. آن‌ها برای جدایی خود از روحانی نیازمند کنش‌های رادیکال روحانی هستند. از همین طریق هم فاصله خود را با روحانی مشخص می‌کنند و هم هویت جدید انتخاباتی برای خود تدارک می‌بینند.





۵. معمولاً در همه پدیده های اینچنینی دشمن بیرونی را پیدا میکنید و قسم اعظم اشتباهات را به گردن او می اندازید؟ آیا همه مشکلات کشور تقصیر امریکا و منافقین است؟ چه بخشی از مشکلات به گردن عوامل داخلی است؟

پاسخ اول

بعد از انعقاد برجام تمامی مشکلات ما در حال بهبود بود. ما نه تنها در فروش نفت مشکل نداشتیم، بلکه مبادلات بانکی جهانی نیز حل شده بود. پس از انتخاب ترامپ و بر هم زدن برجام توسط او، تمامی مشکلات دوباره آغاز شد و بحران های قبلی بازگشتند. پس مقصر وضعیت فعلی قطعاً آمریکا و ترامپ است.

پاسخ دوم

در این که در صد سال گذشته بسیاری از بحران های ما ریشه در خصومت دولت آمریکا با ایران داشته است شکی نیست، اما باید دقت کنیم که «بی کفایتی» دولت ها نیز این بحران ها را مضاعف تر کرده است. دولت های پس از جنگ توجه چندانی به «اقتصاد مقاومتی» که همان اقتصاد مبتنی بر تولید است نمی کنند و دشمن نیز از همین بی توجهی استفاده می کند و نهایت فشار را به ملت ایران می آورد. پس در این که «ما دشمن داریم» هیچ شکی نیست و تمام شواهد صدسال گذشته این موضوع را تأیید می کنند، ولی قطعاً کارآمدی و تیزبینی دولت ها می توانست از حجم این مشکلات کم کند و ما به سمت پیشرفت سوق دهد.

۶. آیا دفاع جریان حزب الهی از این طرح صرفاً به خاطر دفاع از رهبری نیست؟ آیا این به معنای توجیح اشتباهات به خاطر حمایت از حکمران خوب نیست؟ درحالی که باید از حکمرانی خوب دفاع کرد؟

پاسخ :

جریان حزب الهی باید دقت کند که رهبری از تصمیم شورای هماهنگی اقتصادی سران قوا حمایت کردند و نه از جزئیات این طرح. از ویژگی های «حکمران خوب» این است که از اصل و اساس «حکمرانی» یک دولت دفاع کند تا در یک پیوستگی سیاسی و ملی، «حکمرانی بد» تبدیل به «حکمرانی خوب» شود. به همین سبب است که باید از رهبری



دفاع کنیم چون اقدام ایشان اقدامی تاریخی و سنجیده بود؛ مشخص نیست اگر حمایت ایشان از تصمیم سران قوا نبود، در چه وضعیت ناگواری قرار می‌گرفتیم. جریان حزب اللهی نیز باید از «پیوستگی حکمرانی» دفاع کنند و در عین حال به کار کارشناسی و مشورت با نمایندگان مجلس ادامه دهند تا اگر هم قرار است تغییری رخ دهد، این تغییر از مجاری قانونی و مدنی حکومت بگذرد و نه از مسیر «آشوب» و «بلوا».

۷. چرا باید جریان حزب اللهی هزینه خطای دولت را بدهد، چرا جریان انقلابی باید ماله کشتی خطای دولت را انجام دهد؟

پاسخ

آن‌چه برای جریان حزب اللهی اصالت دارد «محافظة از نظام» است و در عین حال «تامین منافع مردم». جریان حزب اللهی با هیچ دولتی عقد اخوت نبسته است و همه می‌دانیم که مهم‌ترین منتقد سیاسی دولت همین جریان حزب اللهی بوده و هست، که البته هزینه‌های آن را نیز پرداخت کرده است. هدف جریان حزب اللهی جلوگیری از انحراف افکار عمومی از اعتراض علیه قوه مجریه به سمت اعتراض از کلیت حاکمیت است. جریان‌های معارض جمهوری اسلامی بدون هرگونه تعارفی قصد براندازی نظام را دارند و این را با صراحت اعلام کرده‌اند. آن‌ها از هیچ ابزاری برای رسیدن به این هدف دریغ نمی‌کنند و متأسفانه اشتباهات و ناکارآمدی‌های اجرایی قوای مجریه لایدر طول سال‌های گذشته - ابزار مهمی برای رسیدن آن‌ها به اهدافشان بوده است. جریان حزب اللهی با این‌که منتقد اصلی دولت و جریان سیاسی منتسب به دولت است، اما از حیثیت سیاسی قوه مجریه دفاع می‌کند و مسیر اصلاح را فقط از مجاری قانونی پیگیری می‌کند.



سوالات اختصاصی مربوط به طرح سهمیه بندی بنزین

سوالات ناظر به روند قانونی

۱. آیا رهبری با علم به تامین منافع مردم، این طرح را تایید کرده است؟

پاسخ اول

اولاً رهبری جزئیات این طرح را تایید نکرده است و از تصمیمی که سران سه قوه در شورای هماهنگی اقتصادی گرفته‌اند حمایت کردند. ایشان بررسی جزئیات این طرح را به کارشناسان سپرده‌اند و صرفاً با آشوب و بلوا علیه تصمیم ساختارهای حاکمیتی مخالفند. مجلس هم از پیگیری این موضوع منع نشده است و اگر اجرای این طرح را خلاف منافع مردم تشخیص داده است، می‌تواند لغو شدن آن را پیگیری کند.

پاسخ دوم

ایشان مجبور به حمایت از طرح شورای هماهنگی اقتصادی سران قوا شده‌اند. دولت، روسای سایر قوا و رهبری را در تنگنای قبول این تصمیم قرار داد و عملاً با توجه به شیوه اجرای نامناسب و آنی این تصمیم و حتمی بودن آغاز شورش‌ها، حاکمیت چاره‌ای جز پذیرفتن پیشنهاد دولت نداشته است.

۲. اگر جریان انقلابی از این شیوه و روش اجرای طرح (با این فرض که اصل سهمیه بندی درست اما شیوه اجرا اشتباه است) با نگاه پشتیبانی از رهبری، از این شیوه اجرا حمایت کند، چه ضمانتی وجود دارد که این موضوع به صورت روند در نیاید؟ دولت رهبری را در منگنه قرار دهد، رهبری حمایت کند، جریان انقلابی توجیه کند)

پاسخ

واقعیت این است که جریان انقلابی و رهبر انقلاب اسلامی توان عمل «فعال» مقابل دولت را دارند. رهبری هم در موضوع برجام، هم در مسئله FATF و نیز در ماجرای سند خفت بار ۲۰۳۰ نظر صریح خود را گفتند و با وجود این، جریان انقلابی اقدام به برگزاری نشست‌های تخصصی و کارشناسی نمود و دولت را تحت فشار قرار داد. در ماجرای اخیر شیوه نادرست اجرای طرح باعث شد، موضوع تبدیل به «بحران ملی» شود و در این شرایط نیاز





به یکپارچگی دولت بود. البته اکنون که تب و تاب بحران گذشته است، مجلس باید ورود کند و دولت را پاسخ‌گوی عملکرد نادرستش کند.

۳. آیا انگیزه دولت از این شیوه اجرا، سیاسی است؟

پاسخ اول

هدف دولت صرفاً اقتصادی جبران کسری بودجه است و این شیوه اجراء هم محصول یک ناهماهنگی بین ارکان حکومت (از جمله وزارت کشور، صدا و سیما و ...) بود.

پاسخ دوم

پاسخ اجمالی: دولت قصد داشت نارضایتی های مردم را از دولت متوجه نظام کند. عواقب حاصل از این پروژه به دلیل هوشمندی رهبر انقلاب شکست خورد.

پاسخ تفصیلی: گفتمان سازش به رفاهی که برای مردم تصویر کرده بود نرسید و اتفاقاً ظهوراتی از گفتمان مقاومت همچون نبرد با داعش، زدن پهلپاد، گرفتن کشتی انگلیسی و ... در سال اخیر دیده شد. از سوی دیگر آمریکا به هیچ دستاوردی در خروج از برجام نرسیده و اتفاقاً با شکست هایی در مقابل کارآمدی نظامی-دفاعی ایران مواجه شد. از آنجایی که دشمن در برخی جریانات داخلی نفوذ کرده می تواند زمینه سازی های توطئه را فراهم کند. هم چنین با توجه به کارآمدی مبارزه با فساد از سوی دستگاه قضا، حفظ کرامت زنان و آزادی کارگران و رفع توقیف فیلم، بسیاری از شعارهای گفتمان اصلاحات در جریان انقلابی به عملکرد تبدیل شده است. همه این مسائل گفتمان سازش کاران و اصلاحات را برای مدت مدیدی به حاشیه سیاست ایران می برد، به همین سبب این گفتمان به آشوب نیاز دارد که نارضایتی های مردم را از دولت متوجه نظام کند.

اما چرا هدف جریان اصلاحات محقق نشد؟ با توجه به عدم اظهار نظر رییس قوه قضائیه مبنی بر مخالفت با طرح و همچنین حمایت رهبری از مکانیزم تصمیم گیری در جلسه سران قواء، سناریوهای بدبینانه آینده از بین رفت. بعضی از این سناریوها عبارت بودند از: استعفای رییس جمهور و بسیاری از اعضای کابینه، تداوم تظاهرات و بالطبع اغتشاشات به امید تغییر طرح سهمیه بندی و برهم خوردن عزت بین المللی ایران بخاطر عدم اتحاد مسئولین نظام، در یک طرح ملی باج خواهی برای مذاکره با آمریکا.





پاسخ سوم

پیش از این روحانی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ گفته بود که در صورت دستگیری برادرش کشور را به شرایط جنگی خواهد کشاند. در هفته‌های گذشته که اطلاعات سپاه رسول دانیال زاده را دستگیر کرد، گفته می‌شد ابعاد پیچیده‌ای از پرونده حسین فریدون مشخص خواهد شد. روحانی وضعیت فعلی را بهترین شرایط برای رادیکال کردن فضای سیاسی کشور و انتقام از رقبای خود می‌داند.

پاسخ چهارم

این شیوه‌ی اجراء را نمی‌توان صرفاً سیاسی و یا اقتصادی تلقی کرد. بهترین الگوی تحلیلی برای این اقدام دولت، «الگوی تحلیل اقتصاد سیاسی» است؛ طبق این الگوی تحلیل دولت در حال اعمال سیاست‌های نئولیبرالی در قالب «دکترین شوک» می‌باشد. دولت‌ها با شروع دکترین شوک سعی می‌کنند سیاست‌های اقتصادی بسیار سنگین را به اقشار ضعیف جامعه وارد کنند تا فضای اجتماعی به سمت «تشنج» پیش برود. در فضای متشنج اجتماعی دولت‌ها امکان «سرکوب» و «امنیتی‌سازی» فضا را پیدا می‌کند و با این امر، سیاست‌های خشن اعمال شده را حفظ می‌کند. تقریباً تمامی دولت‌های پس از جنگ از این شیوه استفاده کرده‌اند، دولت حسن روحانی نیز در چند سال گذشته اقدام به اعمال سیاست‌های دکترین شوک کرده است و آخرین نمونه آن شیوه اطلاع رسانی افزایش قیمت بنزین بود (کتاب یا مستند دکترین شوک ملاحظه شود).

۴. با توجه به اینکه بسته معیشتی در قالب یارانه و با مصوبه قانونی مجلس نیست و دولت هر لحظه می‌تواند این بسته را ندهد آیا می‌تواند اهرمی سیستماتیک برای تحت فشار دادن نظام باشد که هر زمان نظام با روند های دولت مخالفت داشت دولت از آن به عنوان اهرم فشار استفاده کند ؟

پاسخ :

چنین امری ممکن نیست، به دو دلیل :

۱. توزیع یارانه حاصل از افزایش قیمت بنزین، صرفاً مصوبه هیئت دولت نیست بلکه تصمیم و تصویب شورای هماهنگی اقتصادی سران قواست. با توجه به این که این نهاد، نهادی فراقوه‌ای است و به پشتوانه «حکم حکومتی» تشکیل شده است، هم رهبری می‌تواند



آن را پاسخ گو کند و هم سایر قوا و اعضاء حاضر در شورا (قوه قضائیه و مجلس) توان به چالش کشیدن آن را دارند.

۲. از سوی دیگر بر اساس اصل ۷۶ قانون اساسی مجلس حق تحقیق و تفحص در همه‌ی امور کشور را دارد و می‌تواند با استفاده از ابزارهای پاسخ‌گو کردن دولت (استیضاح و سوال و تذکر)، اعمال دولت را محدود کند.

۵. اگر شیوه‌های دیگری برای انجام طرح سهمیه بندی بنزین وجود دارد چرا دولت انگیزه‌ای برای انجام آنها ندارد؟

پاسخ

سهمیه‌بندی بنزین امری بود که باید اتفاق می‌افتاد و دولت‌گریزی از این موضوع نداشت. تکرخی بودن آن منبع فسادها و قاچاق‌های فراوانی شده بود که لزوم این سهمیه‌بندی را مضاعف‌تر می‌کرد. اما از دو منظر می‌توان عملکرد دولت را نقد کرد:

۱. دولت با نحوه اجرای این طرح و نیز شوه اطلاع‌رسانی آن، جامعه را دچار «شوک» کرد. مشخص نیست هدف دولت از این شیوه اجرای طرح «شوک درمانی اقتصادی» بوده است؟ و یا این که صرفاً ناهماهنگی بین دبیرخانه این شورا، وزارت کشور و صداوسیما عامل این وضعیت شده است.

۲. هم‌چنین از جدی‌ترین انتقادات وارده به دولت این است که، دولت از چندین ماه گذشته توان این را داشت که میزانی بسیار بیشتر از کسری بودجه خود را از منابع مالیاتی (مالیات عائد بر سرمایه، فرارهای مالیاتی کلان پزشکان و وکلا و...) تامین کند. چرا این کار را نکرد؟ آیا دولت از این که به پزشکان و وکلا و اتاق بازرگانی نزدیک نمی‌شود «اهداف سیاسی-انتخاباتی» دارد؟ در حالت کلی باید گفت دولت بهتر بود ابتدا اقدام به بازگرداندن فرارهای مالیاتی کلان می‌کرد و سپس به سهمیه‌بندی بنزین (که در اولویت‌های بعدی قرار دارد ولی امری ضروری است) می‌پرداخت. در چنین صورتی مردم و قشر مستضعف جامعه نیز با دولت احساس هم‌دلی می‌کردند و مشاهده می‌کردند که زور دولت فقط به آنها نمی‌رسد، بلکه توان گرفتن حق عمومی از آقازاده‌ها و سرمایه‌داران را دارد.



۶. آیا امکان تغییر طرح کارشناسی وجود دارد؟ روند قانونی تغییر کارشناسی طرح چیست؟

پاسخ اول

تغییر این طرح چون رهبری آن را تأیید کردند امکان ندارد و پیگیری لغو آن نیز به صلاح نیست. شورای هماهنگی اقتصادی سران قوا براساس حکم حکومتی رهبری تشکیل شده است و تمامی قوانین آن، متکی به حکم حکومتی رهبری ایشان است که قابل اعتراض و اعراض نیست.

پاسخ دوم

نمایندگان مجلس توان تغییر جزئیات و حتی کلیات این طرح را دارند. اگر نمایندگان مجلس به نمایندگی از مردم تشخیص داده‌اند که در جزئیات این طرح به منافع مردم آسیب می‌رسد و باید آن را تغییر داد و یا لغو کرد، می‌توانند با ارائه طرح‌های دو یا سه فوریتی بررسی آن را در مجلس در اسرع وقت آغاز کنند و نهایتاً در مورد آن رای‌گیری کنند. پس اساساً باب نقد و بررسی و حتی تغییر این طرح، البته با اعمال نظرات کارشناسی از مجاری قانونی بسته نشده است و مردم می‌توانند این موضوع را از نمایندگان خود مطالبه نمایند.



سوالات ناظر به اعتراضات میدانی

۱. وزیر نفت که مسئول مستقیم خسارت های شش ساله نفتی است، چرا استیضاح و محاکمه نمی شود؟

پاسخ اجمالی :

تنها کسانی که می توانند پروژه «محاکمه زنگنه» را کلید بزنند، نمایندگان مجلس شورای اسلامی اند. البته در طی چند روز گذشته خبرهایی مبنی بر استیضاح او به گوش رسیده است. استیضاح زنگنه به معنی پاسخ به بسیاری از شبهات در مورد فسادهای ناشی از تک نرخی کردن بنزین می باشد. چرا او و روحانی که روزی از مضرات سهمیه بندی سوخت سخن می گفتند، امروز به مدح آن می پردازند؟

پاسخ تفصیلی :

رخداد اخیر سهمیه بندی و افزایش قیمت بنزین از آنجا آغاز شد که دولت روحانی و بویژه وزیر نفت، معتقد به فسادزا بودن بنزین دونرخی و لزوم تک نرخی شدن آن بودند. آنها سال ها در مذمت این کارت سخن ها گفته اند. در همین راستا بیژن زنگنه ۵ اردیبهشت ماه سال ۹۵ در گفت و گو با رسانه رسمی وزارت نفت (شاننا) با اشاره به اینکه موافق بنزین دونرخی نیست، اعلام کرد: «دونرخی بودن قیمت بنزین فساد می آورد و وزارت نفت نه تنها با دونرخی بودن قیمت بنزین، بلکه با دونرخی بودن هیچ فرآورده نفتی موافق نیست». روحانی هم نظر نزدیکی به زنگنه داشت. رئیس جمهور ۲۳ خرداد ۹۴ و چند روز بعد از تک نرخی شدن بنزین در نشست خبری گفته بود: «ما بنزین را تک نرخی کردیم و عمدتاً هم دلیلش فساد زیاد بود. بنزین دونرخی ایجاد فساد می کرد».

این تفکر سرانجام باعث از بین رفتن کارت سوخت شد به این صورت که در سال ۹۴ با یکسان سازی قیمت بنزین در سراسر کشور و برداشتن محدودیت برداشت از کارت های جایگاه عملاً دیگر هیچ شهروندی از کارت سوخت استفاده نکرد. تا جایی که روز اجرای سهمیه بندی، بسیاری از مردم به دلایل مختلف کارت سوخت نداشتند.

هنوز آمار دقیقی درباره رفت و برگشت کارت های سوخت مبنی بر هزینه های مازاد تولید و چاپ کارت ها اعلام نشده است اما همین موضوع هزینه ای هنگفت برای مردم و دولت به بار آورد که به دلیل ناچیز بودن در برابر هزینه های دیگر حذف کارت سوخت به آن نمی پردازیم.



حذف سهمیه‌بندی در سال ۹۴ در حالی اتفاق افتاد که رئیس دولت و وزیر نفت از روز آغازین بازگشت سهمیه‌بندی با تغییر موضعی آشکار، از برقراری عدالت با اجرای سهمیه‌بندی و جلوگیری از بروز تخلفاتی مانند قاچاق و... گفتند. بیژن زنگنه که روزی از ناکارآمدی و فسادزا بودن سهمیه‌بندی می‌گفت، فردای اجرای سهمیه‌بندی از مزایای متعدد سهمیه‌بندی همچون «مهار مصرف، افزایش صادرات بنزین، جلوگیری از وابستگی و اختصاص یارانه انرژی به مردم» سخن گفت.

۲. در این شیوه طرح سهمیه بندی به مردم توهین شده است، چه کسی از مردم عذرخواهی میکند؟ چه کسی با مردم گفتگو کرده و از دل آنها این دلخوری را درخواهد آورد؟

پاسخ

این وظیفه جریان انقلابی است که از طریق گفتگو با مردم آنها را از وادار به فشار به نمایندگان مجلس شورای اسلامی کنند تا دولت را در قبال عملکرد و اشتباهات اساسی‌اش بازخواست نمایند. تمام تلاش جریان انقلابی باید این باشد که به‌عنوان واسطه‌ای بین مردم و حاکمیت، هم از حقوق مردم دفاع کنند و هم مصالح ملی دولت را رعایت نمایند. البته این گفتگو نباید به تو توجیه وضع موجود منتهی شود؛ جریان انقلابی باید مقصر اصلی نابسامانی اقتصادی را که جریان نئولیبرال اصلاح طلب، با صراحت به مردم معرفی کند.

۳. چگونه احساس امنیت کنیم در شهری که آمدند و آتش زدند و ویران کردند و رفتند و نیروی انتظامی حضور موثری نداشت؟

پاسخ

قطعاً وضعیت امنیت اجتماعی و شهری ایران نسبت به بسیار از کشورهای منطقه فراتر از حد انتظار است. حجم آشوب‌ها و تخریب‌های آبان ۹۸ نسبت به دی ماه ۹۶ بسیار بیشتر تخمین زده می‌شود و این دور از انتظار بود. البته نیروی انتظامی در ماجرای اخیر تمام تلاش خود را کرد که میزان آسیب‌های وارده کم شود و این هدف تا حدودی موفق شد. اگر نبود هوشمندی‌های دستگاه نظامی-امنیتی، گستره و وسعت آشوب‌های اخیر بسیار بیشتر از آنچه رخداد، پیش‌بینی می‌شد و ما در آستانه «جنگ داخلی» بودیم. به همین سبب بسیاری از عوامل ناامنی دستگیر شدند و در طی مدت دو روز موضوع فیصله یافت.



۴. چرا معترضان را اشرار مینامید؟ آیا هر کسی که علیه نظام حرف بزند ارادل و اوباش است؟ وقتی اعتراض جواب نمیدهد چرا نباید اغتشاش کرد؟

پاسخ اول

همه می‌دانیم تا زمانی که ساختارهای قانونی یک کشور «امکان» و «بستر» برای اعتراض را فراهم کرده است، امید برای «اصلاح» وجود دارد. هم‌چنین در کل کشورهای دنیا، دولت‌ها کسانی را که اقدام به تخریب اموال عمومی و وارد کردن خسارت به شهر می‌کنند را سرکوب می‌کنند و در واقع تمامی کشورهای دموکراتیک دنیا این نوع اعمال را «شر» به حساب می‌آورند.

از سوی دیگر وضعیت نابسامان کشورهای منطقه و توطئه‌های دشمنان داخلی و خارجی ممکن است کشور ما را تا مرز «سوریه شدن» پیش ببرد. این بزرگ‌ترین خطری است که کشور ما را تهدید می‌کند. به همین دلیل هم-چنان باید به ساختارهای قانونی اعتماد کرد و از این طریق مطالبات خود را به کرسی نشاند.

ایجاد ناامنی با سلاح سرد و گرم و حمله به کالانتری‌ها و پایگاه نظامی و انبار نفت و سیلوی غلات و مراکز مخابراتی و زندان‌ها و خطوط نفت و گاز و تخریب وسیع شهر، در کل دنیا پاسخ‌گوش گلوله است. فرق نمی‌کند حمله کنندگان چند سال و چه وضع مالی و چه جنسیتی دارند. هیچ دولت و حاکمیت مقتدری سر امنیت شهروندان و کشورش مسامحه نمی‌کند.

۵. بسیاری از مردمی که در صحنه بودند گرسنگان و مستضعفین بودند، چرا اینها را اشرار مینامید؟

پاسخ

تمامی دولت‌های دنیا وظیفه حفاظت از امنیت عمومی را دارند و کسانی که اقدام به آزار و اذیت مردم و تخریب اموال عمومی می‌کنند «شرور» می‌دانند و به همین دلیل آن‌ها را سرکوب می‌کنند. اعتراض فی‌نفسه اشکالی ندارد و ما می‌دانیم که بسیاری از مردم ایران معترض وضع موجودند، اما آمار و برآیند کلی این است که مردم با توجه به وضعیت کشورهای منطقه و سابقه تخریب جنگ‌های داخلی پس از انقلاب از برهم خوردن امنیت عمومی و اجتماعی بیزارند. برای هیچ کس پذیرفته شده نیست عده‌ای اندک امنیت جامعه

را برهم بریزند و اموال مردم را (اتوموبیل و منزل و مغازه و بانک و فروشگاه و ...) آتش بزنند.

۹. جوانان و مردمی که چیزی برای از دست دادن ندارند با چه انگیزه ای باید از حضور در میدان اعتراض خود داری کنند؟
تجربه نشان داده بدون اغتشاش و اعتراض کسی پاسخگو نیست. مثال های متعددی وجود دارد که دستگاه های نظارتی درست عمل نمیکنند، پس وقتی که صدای مردم شنیده نمیشود چرا باید مردم آرام شوند؟ چرا مردم نباید به این شیوه اعتراض کنند؟

پاسخ

شوک های اقتصادی ای که دولت روحانی در طول دو دوره ریاست جمهوری به جامعه ایرانی وارد کرده است بسیار فاجعه آفرین بوده و کسی در این شکی ندارد. اما جوانان و مردم باید دقت کنند وضعیت فعلی کشورهای منطقه و سرنوشت شوم شورش ها و اغتشاشات آنها، کشورهايشان را تا به خاک سیاه نشانده است. مردم سوریه و عراق با قیام علیه دولت قانونی و کوشش برای براندازی آن، نه تنها تمامی ساختارهای قانونی که امکان اصلاح را فراهم می کرد از دست دادند، بلکه زمینه رشد و نمو گروه های تروریستی ای را فراهم کردند که به شهر و خانواده و بچه و کودک رحم نمی کند. صندوق رای و مجلس شورای اسلامی مهم ترین بسترهای تاریخی ای هستند که مردم ایران از پس از دوران مشروطه برای رسیدن به آن خون دادند و نباید به این راحتی آن را از دست بدهند. هم چنین جریان مبارزه سیاسی با حسن روحانی و مطالبه گری قانونی به هیچ وجه نباید تعطیل شود.